



تثبیت نرخ ارز؛ استراتژی کوتاه مدت بازار سرمایه

است که همه سرمایه گذاران در این بازار از لحاظ ارزش واقعی دارایی ها، ضرر کرده اند. با این تفاسیر باید اصلاح بازار سرمایه را دنبال کنیم و این نکته را در نظر بگیریم که وظیفه اصلی بازار سرمایه، یعنی تأمین مالی که متأسفانه این اتفاق تاکنون در بازار ما رخ نداده است. با وجود ادعاهای مکرر هنوز ۲ هزار میلیارد تومان هم در این بورس تأمین مالی نشده و بازار سرمایه کمک خاصی به این اقتصاد کشور نکرده است. از سوی دیگر، باید در نظر داشته باشیم که اگر تولید بهبود نیابد بازار سرمایه ای هم در کار نخواهد بود.

■ تثبیت نرخ ارز؛ استراتژی اول

در همین حال، با توجه به تاثیرات نوسان قیمت ارز برای ارایه هر نوع برنامه استراتژی یک کوتاه مدت در این بازار در گام اول باید نسبت به تثبیت نرخ ارز اقدام کرد. پس از آن به سایر نرخ های اثرگذار در این بازار مانند نرخ بهره، قیمت خوراک پتروشیمی ها، قوانین بهره مالکانه و در نهایت صندوق توسعه ملی پرداخت تا این اطلاعات و نرخ ها به صورت شفاف برای مردم عنوان شود. بلااعمال این اصلاحات است که بازار می تواند جهت حرکتی و رشد خود را بیابد. به عبارت دیگر اگر قرار است تغییری در نرخ سود بانکی لحاظ شود این مهم معین و مشخص شود تا بازار علاوه بر یافتن مسیر خود این انگیزه را به مردم که با شفافیتی بالاتر وارد آن شوند را ارایه کند.

سرمایه این است که ابزار بدهی موجود در این بازار از سود ثابت و کم و آن دسته از ابزارهایی که بازار مالکیتی دارند ریسک بسیار بالایی دارند. به نظر می رسد برای حل این مساله باید یک ریسک ترکیبی ارائه کرد، حداقل ریسکی را که تضمین کننده سود مورد نیاز برای مشارکت برخی افراد علاقمند به حضور در این بازار باشد.

بحث دیگری که بازار را دچار مشکل کرده بحث سهام عدالت است به این معنا که این سهام اجازه اجرای خصوصی سازی را نداده است. بی شک خصوصی سازی به معنای آنست که مدیریت خصوصی سازی شود، اما روند فعلی نشان می دهد که مالکیت علناً خصوصی شده، اما مدیریت همچنان دولتی باقی مانده است. به عبارت دیگر همان سیستم در غالب تفکر دولتی و میرزبانویسی دولت پابرجاست و این اتفاق نمی گذارد بازار رشد کند. با این وجود در راستای رفع این مسئله و ایجاد شرایطی برای معامله سهام عدالت، باید قانون را اصلاح شود تا خصوصی سازی واقعی اتفاق بیافتد.

■ کند و کاوی در روند ۲ ساله بورس

ناگفته پیداست که طی دو سال گذشته وضعیت بورس مطلوب نبوده و هر چند اعلام می شود که بورس رشد کرده، اما واقعیت آن است که ارزش این بازار در سال ۹۰، ۱۲۰ میلیارد دلار بود و اکنون به ۹۰ میلیارد دلار رسیده است. هر چند شاخص ۲ تا ۳ برابر شده است، اما واقعیت آن

در حال حاضر سهم بازار سرمایه ایران در تأمین مالی اقتصاد کشور به مراتب پایین تر از بازار پول است که به منظور ایجاد توازن در این مورد در ابتدا باید تعریف درستی از توازن صورت گیرد. در مرحله بعد باید برای برقراری توازن، نسبت به بزرگتر کردن بازار سرمایه اقدام کرد. چرا که در حال حاضر بازار پول به قدر کافی بزرگ است و در اقتصاد نقش دارد.

به منظور توسعه و گسترش بازار سرمایه نیازمند اجرایی شدن چند مرحله هستیم. مرحله اول شناسایی بازار، مرحله دوم فرهنگ سازی، مرحله سوم ایجاد تنوع در ابزارهای مالی و در نهایت اجرای مهندسی مالی در بازار است. منظور از مهندسی مالی به این معناست که شرایط سرمایه گذاری برای هر سلیقه و هر نوع درجه ریسک پذیری در بازار سرمایه وجود داشته باشد تا به واسطه آن بتوان تقاضای پنهان را تبدیل به تقاضای آشکار کرد تا افراد جذب این بازار شوند.

قدر مسلم آشنایی مردم با بازار، رکن اصلی فرهنگ سازی است. اما نباید این نکته را فراموش کرد که اگر تمایلی برای ورود مردم به این بازار وجود داشته باشد هم، در حال حاضر این بازار از ریسک بسیار بالایی برخوردار است؛ چرا که مهندسی مالی لازم در این حوزه رخ نداده است.

■ ابزار بدهی و بازار سرمایه

در شرایط کنونی، بزرگترین مشکل بازار